

زهرا ملوکی

مراد

لک می زخم
از غصه ی آن قدر دیر...
که سبوت را پر کرده ای.
انگار قانون برای همه یکسان است
تنها به یک اشاره ی زمین
من
دیر
نطلبیده
نامراد...

رد می شوی
بی آن که دستمالت را زیر درخت های گذرگاه گم کنی.
رنگ می بازند
سبز - زرد
با چند وصله ی سرخ پوشالی.
سر می روم
و می چکی...
قطره
قطره
انگار قانون برای همه یکسان نیست
لک می شوی
درست گوشه ی رو سری ام.